

امنیت انرژی در گرو همکاری



وزیر محترم نفت در سخنرانی افتتاحیه یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی نقطه نظرات خود در خصوص بحث امنیت انرژی را مطرح نمود. آنچه در ادامه می‌آید مشروح متن جناب آقای وزیر همامانه در این کنفرانس است:

بسیار خوشوقتم که فرصتی فراهم شد تا در یازدهمین همایش مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی سخنانی ایراد کنم. ابتدا لازم می‌دانم از مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی که با سعی و تلاش خود این همایش بین‌المللی را در هر سال به خوبی برنامه‌ریزی و برگزار می‌نماید قدردانی کنم. همچنین فرصت را مغتنم شمرده به کلیه شرکت‌کنندگان و به خصوص میهمانان عزیزی که از کشورهای مختلف در این همایش حضور یافته‌اند خوشامد می‌گویم. امیدوارم نتایج این همایش به روشن‌تر شدن مسائل و مباحث بازارهای نفت و گاز کمک کرده و در تصمیم‌گیری مسئولان نیز راهگشا باشد.

بدون شک حضور مقامات دولتی، اساتید دانشگاهها، مشاوران، متخصصین و مدیران شرکتها در کنار یکدیگر و بحث و تبادل نظر در زمینه‌های مهمی چون تحولات جهانی و منطقه‌ای نفت و گاز می‌تواند دستاوردهای بسیار مفیدی به همراه داشته باشد.

طی سالیان سال از یک سو فرآیند توسعه اقتصادی در کشورهای دارنده منابع طبیعی بویژه نفت و گاز با تکیه بر درآمد حاصل از صادرات آن شکل گرفته است و از سوی دیگر کشورهای مصرف‌کننده نیز برای تداوم رشد اقتصادی خود می‌بایست به جریان مطمئن و پایدار انرژی تکیه نمایند.

بدون شک پس از بروز اولین شوک نفتی مسئله امنیت عرضه انرژی مورد توجه کشورهای عمده مصرف‌کننده انرژی قرار گرفته است، لذا کشورهای توسعه یافته برای ارتقاء ضریب امنیت عرضه انرژی استراتژی کاهش وابستگی به نفت خاورمیانه، استفاده بیشتر از منابع داخلی انرژی و همچنین افزایش راندمان انرژی به منظور صرفه جویی مصرف آن را تدوین و به مرحله اجرا گذاشتند.

باید گفت که این سیاست باعث شد تا سهم اوپک در بازارهای جهانی نفت به شدت کاهش یابد و در نتیجه سرمایه‌گذاریهای هنگفتی که در سالهای

قبل از آن برای تأمین نیازهای آتی صورت گرفته بود بلا استفاده باقی ماند. لذا ظرفیت تولید مازادی در اوپک شکل گرفت که کارشناسان از آن به عنوان مهمترین عامل پایین بودن قیمت‌های نفت طی سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۲ یاد کرده‌اند. البته شایان توجه است که علی‌رغم بسیاری از مشکلات فراروی اوپک این سازمان ثابت کرده که به دور از مسائل و تنش‌های سیاسی تمامی تلاش خود را به تأمین نیازهای جهانی نفت معطوف نموده است. به عنوان مثال طی دو سال گذشته همواره تقاضا برای نفت اوپک کمتر از تولید اعضا بوده است و این سازمان برای کاستن از جو روانی حاکم بر بازار بر اساس عوامل بنیادین بازار تصمیم‌گیری ننموده است. البته باید اذعان کرد که در برهه‌هایی که عوامل روانی و سیاسی بر بازار نفت حاکم گردیده نقش اوپک تنها آرام نمودن جو بازار و اطمینان بخشیدن به بازار در جهت استمرار عرضه و تأمین نیازهای آن است.

با این مقدمه و با عنایت به این که در شرایط فعلی یکی از چالشهای اساسی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نفت "امنیت انرژی" است مایلم در مورد مفهوم امنیت انرژی نکاتی را یادآور شوم. باید گفت که امنیت انرژی دارای دو بُعد است: امنیت عرضه انرژی و امنیت تقاضای انرژی. امنیت عرضه انرژی که از دیدگاه مصرف‌کنندگان مطرح است یک روی سکه و امنیت تقاضای انرژی که از دیدگاه صادرکنندگان مطرح می‌شود روی دیگر آن است.

امنیت عرضه انرژی به مفهوم جریان پایدار و مطمئن انرژی با لحاظ نمودن معیارهای زیست‌محیطی است. تمرکز منابع انرژی بویژه نفت و گاز در برخی از مناطق جهان و توسعه مراکز عمده مصرفی در نقاطی دیگر و وابستگی شدید فعالیتهای اقتصادی دسترسی به منابع انرژی، امنیت عرضه انرژی را به مقوله‌ای جدی در رشد و توسعه اقتصاد جهانی تبدیل کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت امکان یافتن جایگزین برای نفت و گاز مشکل و پرهزینه است. هر چند سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی برای یافتن و توسعه منابع جدید نفت و گاز در خارج از حوزه خلیج فارس انجام شده ولی به نظر می‌رسد جهان بایستی به منابع خلیج فارس تکیه کند. هم‌اکنون بیش از نیمی از ذخایر کشف شده منابع متعارف نفت جهان در پنج کشور منطقه خلیج فارس قرار دارد که همگی عضو

اوپک هستند و همچنین بیش از ۳۰ درصد از منابع گاز طبیعی کشف شده نیز در کشورهای ایران و قطر قرار دارد.

در اینجا لازم است خاطر نشان سازم که تولید کنندگان بزرگ برای مشارکت در تأمین امنیت عرضه انرژی نیازمند امنیت سرمایه‌گذاری و همچنین امنیت دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته هستند. در این راستا دولت‌ها بایستی فارغ از مسائل و مشکلات سیاسی بخش انرژی خود سیاستگذاری نمایند. در حقیقت تداوم جریان نفت و گاز به بازارهای جهانی مستلزم سرمایه‌گذاری‌های سنگین در این بخشها بوده و نقش تکنولوژی در بهبود ضریب بهره‌وری و افزایش ظرفیت تولیدکنندگان بزرگی همچون جمهوری اسلامی ایران انکار ناپذیر است.

متأسفانه امنیت تقاضای انرژی که بعد دیگر امنیت انرژی است مورد غفلت واقع شده است. همانگونه که کشورهای مصرف‌کننده نفت و گاز در مورد دسترسی مداوم و مطمئن به این منابع نگران هستند، کشورهای صادرکننده نفت و گاز نیز نگران امنیت تقاضا برای منابع غنی نفت و گاز خود هستند. اقتصاد این کشورها از جمله ایران برای دستیابی به یک رشد سریع و با ثبات به درآمدهای حاصل از نفت و گاز وابسته است. می‌توان گفت که کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت به دنبال تأمین منابع مالی لازم برای تداوم رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی خود می‌باشند. هرچند ایران در هشت سال گذشته از طریق ایجاد حساب ذخیره ارزی تا حدودی مانع تسری نوسانات بازار نفت به اقتصاد کشور شده اما در حال کاهش درآمدهای نفت در بلندمدت امنیت اقتصادی را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. ذکر این نکته نیز ضروری است که کشورهای مصرف‌کننده با استفاده از ابزارهایی همچون سیاستهای پولی و مالی و اعمال مالیات‌های سنگین بر فرآورده‌های نفتی و پرداخت یارانه به زغال سنگ و حامل‌های جایگزین نفت و گاز، تقاضای انرژی را تحت تأثیر قرار داده و امنیت تقاضای انرژی را به مخاطره انداخته‌اند.

افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز چالشی است که جهان در سال‌های اخیر با آن مواجه شده است. مسلماً سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه در منطقه خلیج فارس که به مفهوم افزایش ضریب امنیت عرضه انرژی جهان است از یک سو منوط به نرخ بازگشت سرمایه مطلوب و از سوی دیگر ایجاد درآمد متناسب و با ثبات برای کشورهای دارنده این منابع می‌باشد. در این راستا همکاری بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان عمده انرژی برای تسهیل سرمایه‌گذاریها و انتقال تکنولوژی در توسعه ظرفیتهای تولید نفت و گاز در مراکز عمده تولید بخصوص در خاورمیانه اهمیت بیشتری دارد. البته نقش اوپک به عنوان دارنده ظرفیتهای اضافی در حفظ ثبات بازارهای بین‌المللی نفت انکار ناپذیر است.

برای این که همکاریهای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان عمده نفت و گاز و بخصوص کشورهای عضو اوپک واقعیت پیدا کند، لازم است کشورهای عمده مصرف‌کننده انرژی در مقابل ثبات و استمرار عرضه نفت و گاز، مدیریت عرضه نفت در بازار توسط اوپک را بپذیرند. بنابراین برای ثبات و استمرار عرضه نفت و گاز لازم است قیمت در سطحی منطقی حفظ گردد تا درآمد بانباتی را نصیب کشورهای صادرکننده نفت و گاز نموده و همچنین سود قابل قبولی را برای سرمایه‌گذاریهای بخش بالا دستی نفت و گاز به همراه داشته باشد. البته باید خاطر نشان ساخت که حفظ و نگهداری ظرفیت مازاد هزینه‌هایی را به اعضای اوپک تحمیل می‌نماید که لازم است از طریق ابزار قیمتی انگیزه لازم ایجاد گردد. در این صورت می‌توان انتظار داشت که سرمایه‌گذاری در منابع نفت و گاز خاورمیانه توجیه‌پذیر بوده و منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان نیز تأمین خواهد شد در این شرایط می‌توان گفت که منافع هر دو گروه همسو شده است.

در اینجا لازم می‌دانم که به نکته دیگری نیز اشاره نمایم. امنیت اقتصادی و سیاسی برای برقراری جریان سرمایه‌گذاری و همچنین تکنولوژی در کشورهای دارنده ذخایر نفت و گاز رکن اساسی است. متأسفانه دخالتهای

سیاسی در منطقه خاورمیانه بی‌ثباتی را به ارمغان آورده است. از سوی دیگر وجود تحریم‌های سیاسی و اقتصادی نیز سبب گردیده تا جریان آزاد منابع مالی و تکنولوژی تحت تأثیر قرار گیرد که این پدیده در میان‌مدت و درازمدت امنیت عرضه انرژی را با مخاطره مواجه می‌سازد. همانگونه که استحضار دارید تحریم اقتصادی ایران نه تنها از حضور شرکتهای نفتی آمریکایی در پروژه‌های نفتی را جلوگیری کرده بلکه سبب گردیده که توسعه میادین نفتی ایران نیز به کندی انجام شود که خود به منزله محدود شدن ظرفیت تولید نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران است. همچنین این تحریم‌ها سبب گردیده جمهوری اسلامی ایران از دسترسی به بازار بزرگ مصرف محروم شده و ضریب امنیت تقاضای ایران کاهش یابد. حتی مخالفت با عبور خط لوله نفت و گاز از ایران سبب گردید که جهان از دسترسی سریع و ارزاتر نفت و گاز آسیای میانه و قفقاز محروم شود که در حقیقت نمونه بارزی از اقدام دولت آمریکا برای جلوگیری از تأمین امنیت عرضه نفت و گاز است.

در سالهای اخیر، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر سهم قابل توجهی که به عنوان یک عضو عمده اوپک در ثبات بازارهای بین‌المللی نفت داشته، برنامه‌های توسعه‌ای را نیز در بخش نفت به اجرا درآورده و ضمن جبران افت طبیعی تولید بر ظرفیت تولید نفت خود افزوده است. از طرفی با توجه به ذخایر غنی گاز، توسعه این بخش نیز به سرعت پیگیری شده که این سیاست خود در جهت ارتقاء امنیت عرضه انرژی در سطح جهانی است. اکتشاف منابع جدید نفت و گاز، سرمایه‌گذاری برای افزایش ظرفیت تولید، افزایش ضریب بازیافت، همکاری و تعامل با شرکتهای بین‌المللی نفتی و بازرگاری در قراردادهای بیع متقابل از اهم اقدامات انجام شده است. با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در بخش بالادستی، ظرفیت تولید نفت ایران به حدود ۴/۳ میلیون بشکه در روز و تولید گاز غنی به حدود ۴۳۵/۱ میلیون متر مکعب در روز افزایش یافته است.

در این میان باید به قانون حمایت و جلب سرمایه‌گذاری خارجی، ارتقاء کارایی و کاربرد فناوریهای نوین در تولید و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز و همچنین توجه بیشتر به مسائل زیست‌محیطی نیز اشاره کرد.

بنابراین می‌توان ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران رسالت خود را در جهت تأمین امنیت عرضه انرژی علیرغم بسیاری از کارشکنی‌ها و موانع ایجاد شده توسط دولت آمریکا انجام داده و همواره بدور از مناقشات سیاسی و منطقه‌ای در این راستا گام برداشته است. وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران در صدد است که به جایگاه شایسته‌ای در بازارهای نفت و گاز جهان دست یابد و در این زمینه چشم‌انداز روشنی نیز ترسیم شده و با توجه به سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ عزم جدی برای دست یابی به آن به وجود آمده است. ولی مجدداً تأکید می‌نمایم که برای تداوم آن بایستی:

۱- امنیت تقاضا و امنیت دسترسی به بازارهای بزرگ مصرف مورد توجه قرار گیرد که در غیر این صورت امنیت عرضه انرژی در بلند مدت دست یافتنی نخواهد بود.

۲- امنیت سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران بویژه نفت و گاز تضمین گردد. زیرا برای تأمین نیازهای انرژی بایستی ظرفیت تولید نفت و گاز افزایش یابد.

۳- امنیت دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته نیز فراهم گردد تا بتوان با افزایش ضریب بهره‌وری به تولید بیشتری دست یافت.

بنابراین باید گفت که دستیابی به امنیت انرژی نیازمند تداوم همکاری و گفتگو میان مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است و جهان برای تأمین امنیت پایدار انرژی باید امنیت عرضه و امنیت تقاضا را توأمان پیگیری نموده و ضمناً بستری قانونی و حقوقی ایجاد گردد تا امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت دستیابی به تکنولوژی‌های جدید فراهم شود.

در خاتمه از صبر و حوصله شما سپاسگزار می‌کنم و امیدوارم اوقات خوب و مفیدی را در این همایش داشته باشید.